

فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف (۳)

سید جلیل محمدی^۱

اودیّه - عربی «اودیة» وادی‌ها، رودها، دره‌ها. جمع وادی. (فرهنگ عمید)

... سایر ملحقات از اودیّه و تلال و مشارب. (وقف‌نامه مدرسه صالحیه کازرون)

اوراد - وردها. دعاها. ذکرها، جمع ورد. || جزئی از قرآن که انسان هر روز و شب بخواند.

- برگزاری مراسم دعا و اذکار و اوراد در اعیاد و شب ولادت مولا امیر مؤمنان حضرت علی (ع) در خانقاه...

(بندی از یک وقف‌نامه عادی)

اوراق بهادر - اوراقی که مانند پول دارای ارزش و بها است و برای منظور خاص توسط دولت تهیه و در اختیار مردم، وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و غیره قرار می‌گیرد، مانند: اسناد مالکیت املاک و ازدواج و طلاق اسناد برگی مورد مصرف دفاتر اسناد رسمی، شناسنامه‌ها، گذرنامه‌ها، چک‌های بانکی، اوراق بورس، تمبر پست و امثال آن.

اورع - با ورع‌تر. پارسا‌تر. پرهیزکارتر. (فرهنگ عمید) || اکبر اولاد: فرزند بزرگ‌تر. پسر بزرگ‌تر.

توضیح: صفاتی که در اغلب وقف‌نامه‌ها نوشته می‌شود. صفات و مشخصاتی برای متولی موقوفه از قبیل:

ارشد. اکبر. اعلم. اتقی و اورع اولاد یا اعلم علمای محل... (مؤلف)

اکثر - بیش‌تر. بسیارتر. زیادتر. غالب. || حداکثر. متعددتر. (نعت‌نامه دهخدا)

اولاد - جمع ولد. فرزندان (ذکور و اناث) دختر و پسر. «یا ائیهما الذین آمنوا لا تلهمکم أموالکم ولا اولادکم

عن ذکر الله... ای اهل ایمان مبادا هرگز مال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل کنند (بیه ۹ سوره منافقون)

|| تولیت با اولاد ذکور: تولیت... نسلاً بعد از نسل به اولاد ذکور محول گردیده است. (از یک سند وقف)

۱. دادستان بازنشسته سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

اولویت - برتری - رجحان - تفوق - (فرهنگ عمید) // مقدم بودن. (مؤلف)

- هزینه برای دانشجویی که قصد تحصیل رشته پزشکی داشته باشد، اولویت دارد. (سند وقف ۸۸۲۴ - ۵۵/۱۱/۱۲ دفتر ۴۶ حوزه سیرجان) (از میراث ماندگار، ص. ۳۶۹)

اهتمام - کوشش - سعی - جدیت. // توجه و پرداختن به کاری. // غم خواری کردن. (فرهنگ عمید)

- متولیان موظفاند... در آبادی موقوفه اهتمام نمایند. (ماده ۲۶ آیین نامه اوقاف ۱۳۶۵)

اهدایی - هدیه شده. بخشیده شده به عنوان هدیه. پیش کش به عنوان هدیه. (فرهنگ بزرگ سخن)

- (اوقاف) وجهی است که هنگام استیجار قانونی به موقوفه تقدیم می گردد. (اصطلاحات وقف) ← استیجار

استیجار - به اجاره گرفتن یا به اجاره خواستن // اجاره ای. مزدی. (فرهنگ عمید) // نماز و روزه یا حج

استیجاری: نماز یا روزه یا حج که شخص به جا نیاورده باشد و پس از فوت او کسی را اجیر کنند تا هر یک از این فرائض را از جانب او بگذارد. (فرهنگ عمید) ← اهدایی

اسبق - جلوتر. پیش تر. پیش تر از پیش. (لغت نامه دهخدا)

- مورد ثبت در زمان مالکین اسبق مورد اعتراض اداره اوقاف قرار گرفته است. (نقل از یک پرونده ثبتی)

استبدال - بدل کردن چیزی را به چیزی. مُبدل کردن چیزی به چیز دیگر. (لغت نامه دهخدا) // بدل گرفتن.

عوض چیزی را گرفتن. (فرهنگ عمید)

- (وقف) استبدال، عبارت است از معاوضه عین موقوفه با عین دیگر. ← ابدال

ابدال - جمع بدل و بدیل: مردم شریف و صالح و نیکوکار. مردان خدا. // در اصطلاح متصوفه: ابدال یا

رجال الغیب یکی از طبقات اولیا و خاصان خدا هستند که جهان هیچ گاه از وجود آنان خالی نیست اما در میان مردم شناخته نمی شوند. (فرهنگ عمید) // فروختن عین موقوفه به قصد خریدن مال دیگر به جای آن، که مال خریداری شده از بهای عین فروخته شده قهراً و با شرایط وقف اول، وقف خواهد بود. ← استبدال. (مکمل، احمد صادقی. احکام وقف در تشریح اسلام، ج. ۳)^۱

اهل - شایسته. سزاوار. // به معنی خانواده، فامیل، افراد خانواده و عشیره و قوم و خویش. خاندان و کسانی

که در یک جا اقامت دارند. اهالی جمع. (فرهنگ عمید)

«فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا: پس گفت کسانی را درنگ کنید». (آیه ۱۰ سوره طه)

۱ - یک سوم عایدی موقوفه صرف اطعام ارحام و نیازمندان اهل محل... گردد.

۲ - برای این که متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ، عاقل و رشید باشند. (ماده ۲۱۱ ق.م.)

۱. به نقل از: اسکافی، نادر، فرهنگ ثبتی، ۱۳۸۶، نشر دادگستر.

- اهلیّت** - شایستگی. لیاقت. صلاحیت. سزاواری.
- (حقوق) توانایی قانونی شخص برای اعمال حقوق و تصرف در اموال خود. (فرهنگ بزرگ سخن)
- منظور از اهلیت، بالغ و عاقل و رشید بودن است. ← اهل
- واقف باید دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است. (ماده ۵۷ ق.م.)
- اهلیّت واقف** - شایستگی و لیاقت و صلاحیت واقف (وقف‌کننده) ← اهلیت
- ایادی** - دست‌ها. جمع ایدی و جمع الجمع ید. (فرهنگ عمید) عوامل.
- ایادی مُتَلَقّی** - ایادی متلقاً اصطلاحاً به کسانی گفته می‌شود که در گذشته بر مال دیگری تصرف غیرقانونی داشته‌اند. متصرفین ملکی گذشته و پیشین.
- نقل و انتقالاتی که... توسط متجاوزین و ایادی متلقای آن‌ها به‌هر عنوان به‌عمل آمده باشد معتبر نخواهد بود.
- (بند "ز" قانون راجع به اراضی دولت و... و اوقاف و... ۱۳۳۵) ← قانون راجع به اراضی دولت و... و اوقاف و...
- ایجار** - کرایه دادن. اجاره دادن. || ایجار اراضی: اجاره دادن زمین. ← پذیره
- اَيِّدَةُ** ... - (جمله دعائیه) خدا مؤید دارد. خدا یاری دهد. (نعت‌نامه دهخدا)
- واقف جناب آقای... ایدالله. (از یک وقف‌نامه عادی)
- ایداع** - تودیع کردن. به ودیعه گذاشتن وجه یا مالی نزد کسی. سپردن. (فرهنگ عمید) || ایداع وجه.
- ودیعه‌گذار، مودع و ودیعه‌گیر را مستودع یا امین می‌گویند. (ماده ۶۰۷ ق.م.)
- ایصاء** - وصیت کردن. وصی گردانیدن. || اندرز دادن. سفارش کردن. (فرهنگ عمید) ← حق ایصاء
- ایصال** - رسانیدن. چیزی را به دیگری یا جایی رساندن. || ایصال عایدات اوقاف. در صورت انجام معامله بقایای ثبّتی را وصول و ایصال دارند.
- وصول و ایصال عایدات اوقاف. (بند ۲ ماده ۶ قانون تشکیلات معارف و اوقاف ۱۳۲۸)
- ایفاء** - وفا کردن به عهد. به سر بردن پیمان دوستی. حق کسی را تمام دادن. (فرهنگ عمید) || انجام تعهد.
- یکی از طرقی که تعهدات را ساقط می‌کند وفای به عهد است که از جانب غیرمدیون هم جایز است. (مواد ۲۶۴ و ۲۶۷ ق.م.)
- ایفای تعهدات** - وفا کردن به تعهدات. ادای حق نسبت به پیمان‌ها. انجام تعهدات. || سقوط تعهدات.
- تعهدات به یکی از طرق ذیل ساقط می‌شود:
- ۱ - به وسیله وفای به عهد.
 - ۲ - به وسیله اقاله.
 - ۳ - به وسیله ابراء.
 - ۴ - به وسیله تبدیل تعهد.
 - ۵ - به وسیله تهاتر.
 - ۶ - به وسیله مالکیت مافی‌الذمه. (ماده ۲۶۴ ق.م.)

آبدنگ - دنگی که به قوت آب حرکت کند و بدان شلتوک برنج کوبند و از نیشکر آب گیرند. (لغت نامه دهخدا) || جدا کردن پوسته از برنج (شلتوک) (مالک و زارع در ایران) ← دنگ

- وقف نمود سه دانگ از ۶ دانگ قریه... با جمیع توابع و... و آبدنگ و... (میراث ماندگار، ص. ۳۴)

آقچه - واحد آب که مقدارش در هر جا فرق می کند. معمولاً تقریباً دوازده ساعت است. آقچه. (فرهنگ معین)

آقچه - آقچه. سکه سیم یا زر. زر یا سیم مسکوک. پول طلا یا نقره. ریزه زر. (فرهنگ عمید) || نوعی سکه طلا و نقره که در دوره سلجوقی و مغول معمول بوده است. (فرهنگ بزرگ سخن)

- هر سال مبلغ ۳۶۰ دینار آقچه نقره سره مسکوک رایج کپی... بدو (به او) رسانند. (وقف نامه مسجد امیرچخماق یزد)

آل عبا - پنج تن: حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) دختر حضرت محمد (ص) حضرت حسن بن علی (ع) و حضرت حسین بن علی (ع) که طبق روایت «حدیث کسا» در زیر عبای پیغمبر گرد آمدند و جبرئیل پیامی از حق تعالی برای نبی اکرم (ص) آورد || خامس آل عبا. (فرهنگ معین)

- ... خمس عواید مورد وقف را صرف اطعام و مجالس سوگواری و شرح فضایل و مناقب خامس آل عبا نمایند.

آیش - زمین های کم قوه را یک سال در میان می کارند. یعنی یک سال در آن زراعت می کنند و یک سال خالی و بیکار می گذارند تا دوباره مستعد کشت شود. || زمین کشاورزی که یک یا چند سال در آن کشت نشده باشد تا قوت گیرد. (فرهنگ عمید)

- مورد وقف شامل اراضی مزروعی و آیش و... (آثار ماندگار، ص. ۳۵).

موقوفه مسجد حکیم اصفهان: خانه ملکی و خلوتخانه.

واقف: حاجی محمد صادق (شله رنگ کن؟).

تاریخ وقف: ۹ ربیع المولود (قوی ثیل) ۱۳۱۳ هـ.ق.

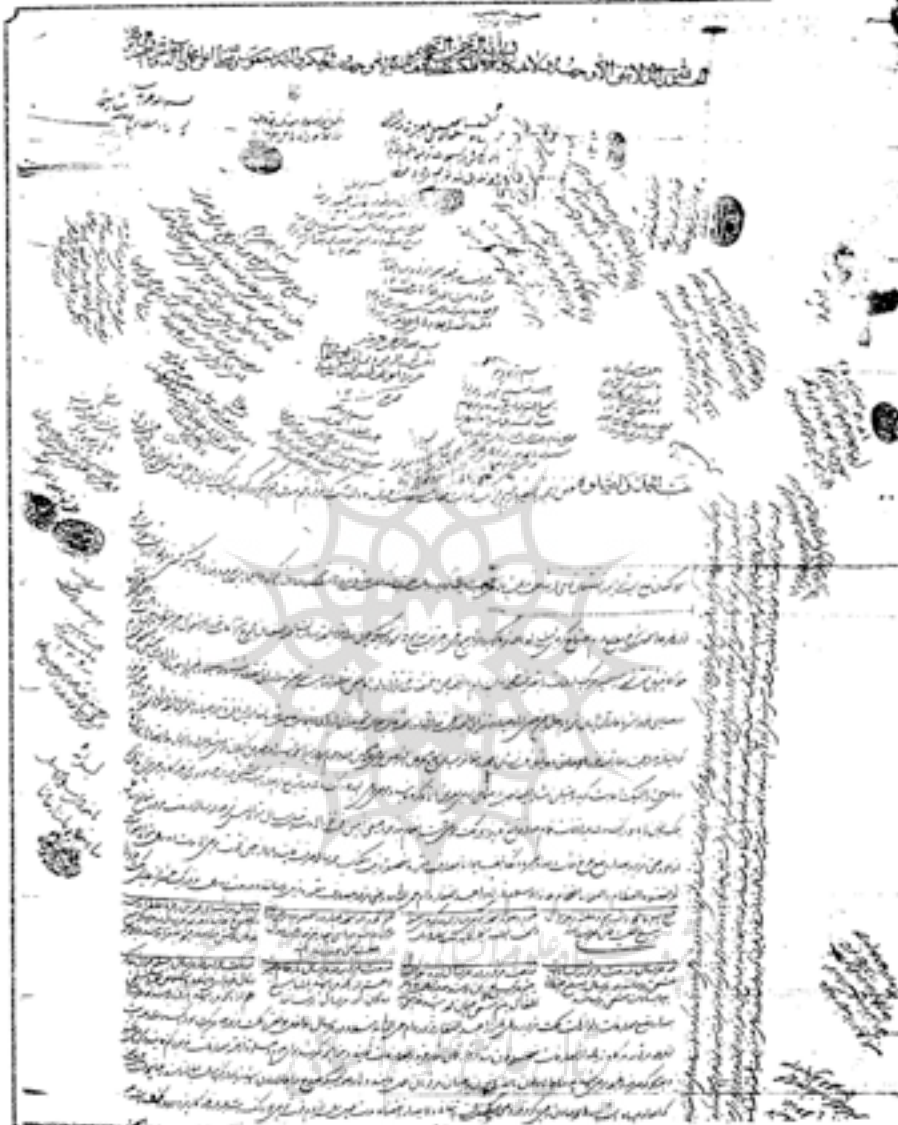


(به نقل از: اسناد موقوفات اصفهان، دفتر دوم، ص. ۱۱۸)

موقوفه: باغ محله جوباره و دکاکین سر بازار غاز و تیمچه عطائیها و غیره.

واقف: محمدرضا (حاجی) ابن حاجی یوسف اصفهانی.

تاریخ وقف: ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۰۶ هـ.ق.



(به نقل از: اسناد موقوفات اصفهان، دفتر دوم، ص. ۴۶۱)